

از شایعه جایگزین شدن ارز ترکیبی با ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی

سیاست ارزی مبههم دولت

ایران بیش از گذشته در موقعیت جنگ اقتصادی قرار گرفته و برای واردات، کالاهای اساسی باید نسبت به خودرو، موبایل و… در دریافت ارز در اولویت باشند

برای ماشین آلات و تجهیزات تولیدی، بویژه آن دسته که در خطوط تولید کشور نقش اساسی دارند. او هشدار داده اگر تولیدکنندگان به مواد اولیه و فناوری مناسب دسترسی نداشته باشند و ناگزیر از استفاده از ماشین‌آلات فرسوده شوند، با افت بهروری روبه‌رو خواهند شد. پیامد این وضعیت، کاهش ظرفیت تولید ملی و افزایش هزینه‌های تمام‌شده کالاهاست که به نوبه خود می‌تواند موج جدیدی از تورم راه اندازد.

پناهی‌زاده گفت: بر این اساس، سیاست ارزی دولت در دوران فشار خارجی باید با نگاهی بلندمدت و به‌رممند از اصول اقتصاد مقاومتی بازتنظیم شده؛ سیاستی که در آن تأمین معیشت مردم، حفظ تولید و جلوگیری از هدررفت منابع ارزی ۳۰ ستون اصلی تصمیم‌گیری خواهندبود. در مواجهه با تحریم‌ها، کشورها بسته به ساختار اقتصادی، توان دیپلماتیک و ظرفیت تولید داخلی، استراتژی‌هایی متفاوت اما بعضاً هم‌راستا اتخاذ می‌کنند. این رویکردها از ایجاد زیرساخت‌های مالی مستقل گرفته تا بومی‌سازی صنایع کلیدی، همگی در تلاشند تا ضمن کاهش آسیب‌پذیری، مسیر پایداری اقتصادی را هموار کنند.

روسیه پس از تحریم‌های گسترده غرب، سیاستی چندلایه در پیش گرفت؛ از راه‌اندازی سیستم جایگزین سبونیفت (SPFS) گرفته تا گسترش «میر» سامانه پرداخت داخلی که جایگزینی برای مستر کارت و ویزااست. در کنار آن، این کشور با تکیه بر ارزهای ملی در مبادلات خارجی و ورود جدی به حوزه ارز دیجیتال ملی، تلاش کرده است خود را از وابستگی به سازوکارهای غربی آزاد سازد. همچنین تعامل نزدیک‌تر با کشورهای عضو بریکس برای ایجاد پلتفرم پرداخت مستقل بخشی از تلاش‌های روسیه برای ایجاد نظم مالی موازی است. تصمیم ارز ترکیبی برای واردات کالاهای اساسی هنوز به طور رسمی از سوی نهادهای مسؤول اعلام نشده، نگرانی‌هایی جدی در میان فعالان بخش خصوصی و برخی نمایندگان مجلس به وجود آورده است. بویژه با توجه به تأثیر مستقیمی که چنین تغییری بر قیمت تمام‌شده کالاهای مصرفی دارد. افزایش هزینه واردات حتی در حد ۲۰ درصد، می‌تواند به‌سرعت در قیمت نان، روغن و سایر اقلام ضروری انعکاس پیدا کند و

گروه اقتصادی: در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های مضاعف ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای ارزی روبه‌رو است، سیاست‌گذاری در حوزه تخصیص ارز به کالاهای اساسی بیش از پیش به یک موضوع حساس و تعیین‌کننده تبدیل شده است. زمزمه‌های تغییر نرخ ارز از ترجیحی به نرخ ترکیبی برای واردات اقلام ضروری، در کنار ضرورت حفاظت از ذخایر ارزی، دولت را در برابر تصمیمی راهبردی قرار داده است که پیامدهای آن می‌تواند بر معیشت عمومی، تولید ملی و ثبات اقتصادی اثرات عمیقی برجا گذارد. مرور تجربه کشورهای تحریم‌شده از جمله روسیه، چین و ایران نیز گویای آن است که عبور موفق از فشارهای تحریمی نیازمند ترکیبی از حفاظت از ذخایر ارزی، سیاست‌گذاری دقیق و اولویت‌بندی منابع است. در حالی که قادن بودجه سال ۱۴۰۴ به صراحت تأکید کرده از مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی باید با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان تأمین شود، طی روزهای اخیر زرمه‌هایی مبنی بر تغییر این سیاست و جایگزینی آن با نرخ ارز ترکیبی شنیده شده است. به نظر می‌رسد این تغییر برای ۵ یا ۶ قلم از مهم‌ترین کالاهای اساسی از جمله گندم، برنج، ذرت، کنجاله، جو و کود شیمیایی در نظر گرفته شده باشد؛ نرخی که تلفیقی از ارز ترجیحی و نرخ بازار مبادله است و فاصله‌ای چشمگیر با عدد مصوب بودجه دارد که حدود ۷۰ هزار تومان به ازای هر دلار در بازار مبادله معامله شده است.

از طرف دیگر در شرایطی که اقتصاد ایران با موج تازه‌ای از تحریم‌ها روبه‌رو شده و احتمال اجرای مکانیسم ماشه نیز وجود دارد، اتخاذ رویکرد مقاومتی در سیاست‌های اقتصادی بیش از پیش ضروری است. در این میان، حفاظت از ذخایر ارزی کشور باید در صدر اولویت‌های دولت قرار گیرد تا بتوان ضمن عبور از بحران، ثبات نسبی در بازارهای حیاتی ایجاد کرد. بیژن پناهی‌زاده، عضو هیات‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، در گفت‌وگو با «وطن امروز» بر ضرورت ۲ محور اساسی در سیاست ارزی دولت تأکید کرده است؛ نخست، تعیین دقیق اولویت‌ها در تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی است تا از این مسیر، از بروز تورم گسترده در سبد معیشتی مردم جلوگیری شود. دوم، تمرکز ویژه بر تأمین ارز



تحلیل صندوق بین‌المللی پول و پیامدهای تنش تجاری میان اروپا و آمریکا نشان می‌دهد

خطر چندپارگی ژئواکونومیک

تنش‌های تجاری میان آمریکا و اتحادیه اروپایی به یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی بازار جهانی تبدیل شده است. تهدید واشنگتن برای اعمال تعرفه ۳۰ درصدی بر واردات از اروپا، با واکنش‌های تلافی‌جویانه بروکسل مواجه شده و فضای همکاری‌های اقتصادی فرآآتلانتیک را دچار ابهام کرده است. این جنگ تجاری جدید، پیامدهای ملموسی بر بازارهای جهانی داشته که شامل موارد زیر است:

افت قیمت نفت: نگرانی از کاهش تقاضای جهانی باعث شده قیمت نفت برنت و WTI به پایین‌ترین سطح خود در ماه‌های اخیر برسد. **افزایش نوسانات مالی:** بازارهای سهام در آمریکا و اروپا شاهد افت قابل توجه بوده‌اند و سرمایه‌گذاران با شک و تردید به آینده نگاه می‌کنند.

تضعیف عملکرد دلار: اگرچه کاهش ارزش دلار می‌تواند صادرات آمریکا را تقویت کند اما در عمل این اثر گذاری نتوانسته زبان‌های جنگ تجاری را جبران کند.

کاهش سرمایه‌گذاری در منطقه یورو: عدم اطمینان ناشی از تنش‌ها منجر به افت ۱.۱ درصدی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و کاهش شدید شاخص‌های اقتصادی نظیر PMI شده است.

ادامه این وضعیت می‌تواند موجب شکل‌گیری چندپارگی ژئواکونومیک شود؛ حالتی که کشورها به جای همکاری، به سیاست‌های حمایتی و محدودکننده روی می‌آورند. چنین روندی نه‌تنها رشد اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند، بلکه مسیر استفاده از ارزهای بین‌المللی را نیز تغییر داده و نقش آمریکا به‌عنوان تأمین‌کننده مالی جهانی را کمرنگ‌تر خواهد کرد.

آینده پرریسک در سایه تنش‌ها و سیاست‌های ناکارآمد گزارش صندوق بین‌المللی پول و تجارت‌های در روابط تجاری میان اروپا و آمریکا به روشنی نشان می‌دهد اقتصاد جهانی در آستانه هر حمله‌ای پیچیده و پرریسک قرار گرفته است. در حالی که کشورها برای حل عدم‌تعادل‌های اقتصادی به ابزار تعرفه‌ها متوسل شده‌اند، شواهد اقتصادی حاکی از آن است که این مسیر نه‌تنها مؤثر نیست، بلکه خطرات سیستماتیک تازه‌ای برای بازارهای جهانی ایجاد کرده است.

راه‌حل پایدار نـه در افزایش موانع تجاری، بلکه در اصلاحات داخلی، همکاری چندجانبه و بازآفرینی اعتماد در نظام مالی بین‌المللی نهفته است. بازتعریف سیاست‌های تجاری در سایه تحولات ژئوپلیتیک با تشدید شکاف‌های تجاری میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی، نظیر آمریکا و اروپا، باعث شده ضرورت بازنگری در اصول سیاست‌گذاری تجاری بیش از پیش احساس شود. روند اخیر نشان می‌دهد ارزهای سنتی مانند تعرفه‌ها نه‌تنها در کاهش عدم‌تعادل‌های تجاری ناکارآمد بوده‌اند، بلکه با تحریک واکنش‌های تلافی‌جویانه، محیط تجاری جهانی را متزلزل کرده‌اند. از سبوی دیگر، تقابل‌های فرآآتلانتیک نه‌تنها بر واردات و صادرات کالا اثر گذاشته، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران را نیز تحت فشار قرار داده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در بسیاری از کشورهای اروپایی با کاهش محسوس روبه‌رو شده و شاخص‌های اعتماد مصرف‌کننده به پایین‌ترین سطح چندساله رسیده‌اند.

■ **روندهای جدید در قدرت‌یابی ارزهای جایگزین**

در سایه کاهش ارزش دلار و تضعیف نقش سنتی آمریکا در تأمین مالی جهانی، ارزهایی چون یوان چین و حتی دارایی‌های دیجیتال مانند استیبل کوین‌ها در حال کسب جایگاه بیشتری هستند. اگر این روند ادامه یابد، نظم پولی جهانی از ساختار تکقطبی به شکل چندقطبی تغییر خواهد کرد؛ تغییری که تبعات سیاسی، بانکی و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در پی خواهد داشت. صندوق بین‌المللی پول هشدار داده حرکت شتاب‌زده به سوی چندپارگی ژئواکونومیک ممکن است منجر به کاهش هماهنگی‌های پولی، ضعف در اجرای سیاست‌های ضدچرخه‌ای و حتی بحران نقدینگی بین‌المللی شود.

■ **راهبردهای مقابله با نااطمینانی ژئواکونومیک**

برای جلوگیری از گسترش ریسک‌های اقتصادی، چند راهکار کلیدی پیشنهاد شده است.

تقویت شفافیت در سیاست‌گذاری: کشورها باید چشم‌انداز بلندمدت خود را به‌صورت شفاف بیان کرده و از تصمیمات ناگهانی در حوزه تجارت پرهیز کنند.

تنوع‌بخشی به منابع ارزی و سرمایه‌گذاری: کشورهایی که بیش از حد وابسته به دلار هستند، می‌توانند بخشی از ذخایر خود را به دیگر ارزهای معتبر یا دارایی‌های متنوع منتقل کنند. **ایجاد نهادهای همکاری چندجانبه جدید:** در شرایط واگرایی تجاری، نقش نهادهای بین‌المللی در حفظ هماهنگی بیش از پیش اهمیت می‌یابد. تشکیل پلتفرم‌های مشاورتی منطقه‌ای یا تخصصی می‌تواند به بازسازی اعتماد جهانی کمک کند. **مشارکت در تنظیم مقررات دارایی‌های دیجیتال:** به جای مقاومت در برابر نوآوری، کشورها باید با تدوین قوانین روشن، فضای مناسبی برای استفاده از فناوری‌های نوین مالی فراهم کنند. در حالی که جهان با موجی از بی‌ثباتی‌های تجاری، ارزی و نهادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، تنها مسیر پایدار پیش رو، عبور از سیاست‌گذاری‌های انزواگرایانه و حرکت به سوی همکاری‌های ساختاری و افکارهای داخلی است. با توجه به هشدارهای صندوق بین‌المللی پول، شکست در تحقق این مسیر می‌تواند نه‌تنها آینده تجارت جهانی، بلکه بنیان‌های رشد اقتصادی، توسعه مالی و رفاه اجتماعی را دچار اختلال کند.

■ **بررسی سیاستی نهایی و الزامات همکاری جهانی**

در ادامه این روند نگران‌کننده، صندوق بین‌المللی پول تأکید می‌کند دولت‌ها باید از واکنش‌های تدافعی و تک‌بعدی اجتناب کنند و به‌جای تقابل تجاری، به سوی ایجاد زیرساخت‌های نهادی جدید و تقویت همکاری بین‌المللی حرکت کنند. نبوده هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها، بویژه در حوزه‌های مالی و ارزی، می‌تواند منجر

تخصیص ارز به واردکنندگان اعمال کند تا از این طریق بتواند در مقابل فشارهای خارجی مقاومت بیشتری از خود نشان دهد. در سوی دیگر، چین با اتکا به دیپلماسی اقتصادی، بویژه در مناطق تحریم‌شده، توانسته از فرصت‌های ناشی از تحریم برای گسترش بازارهای خود بهره‌برد. ایجاد سیستم پرداخت CIPS به عنوان جایگزینی برای سوئیفت، استفاده از شرکت‌های واسطه برای دور زدن محدودیت‌ها و سرمایه‌گذاری کلان در فناوری‌های بومی، بخش‌هایی از استراتژی کلان این کشور برای کاهش وابستگی به غرب و توسعه اقتصاد مستقل هستند.

ترکیه و امارات نیز با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک خود، نقش واسطه‌گر را در تجارت تحریمی ایفا می‌کنند. صادرات کالاهای واسطه‌ای، تسهیل مبادلات مالی از طریق شبکه‌های غیررسمی و تبدیل شدن به هاب تجاری منطقه‌ای، از جمله اقداماتی هستند که این کشورها در مواجهه با تحریم‌های جهانی انجام داده‌اند.

در نهایت، تجربه این کشورها نشان می‌دهد در برابر فشارهای تحریمی، هیچ راهکار واحد و ساده‌ای وجود ندارد اما مسیرهای مشترکی چون بومی‌سازی تولید، تنوع‌بخشی ارزی، ایجاد نظام‌های مالی مستقل و گسترش دیپلماسی منطقه‌ای می‌تواند سنگ‌بنای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی باشد. با این حال، اجرای این راهکارها نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت، دیپلماسی فعال و اجماع داخلی در تعیین اولویت‌های اقتصادی است. از طرف دیگر دولت باید با نگاهی جامع و مقاومتی، اولویت‌های وارداتی را به‌گونه‌ای بازتعریف کند که تأمین کالاهای اساسی، حمایت از تولید ملی و جلوگیری از هدررفت منابع ارزی در صدر تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد. تجربه کشورهایی که مسیرهایی مستقل برای مقابله با تحریم برگزیده‌اند، نشان می‌دهد موفقیت در چنین شرایطی نه‌تنها به ابزارهای فنی، بلکه به انسجام داخلی، دیپلماسی فعال و شفافیت در سیاست‌گذاری بستگی دارد. اتخاذ رویکردی هوشمندانه، واقع‌بینانه و مقاومتی می‌تواند ایران را در عبور از چالش‌های فعلی یاری دهد و ثبات و پایداری اقتصادی را در اولویت عملیاتی دولت قرار دهد.



به تضعیف اثرگذاری تصمیمات اقتصادی و افزایش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی شود.

در این میان، نقش نهادهای مالی چندجانبه چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و نهادهای منطقه‌ای در تسهیل گفت‌وگو، تقویت ظرفیت نهادی و ارائه سیاست‌های منسجم‌تر برای مقابله با بحران‌های آینده‌امینی دوجانبان یافته‌است. تقویت مکانیسم‌های هشدار زودهنگام، پایش دقیق بازارهای مالی و ارائه برنامه‌های اصلاحی متناسب با ویژگی‌های بومی هر کشور، از جمله الزامات دوره جدید حکمرانی اقتصادی خواهد بود.

■ **خطرات عدم اقدام با اقدامات واکنشی**

عدم اقدام مناسب یا اتخاذ تصمیمات واکنشی در برابر موج جدید عدم‌تعادل‌های مالی، تنها موجب تشدید چرخه رکود و نوسان خواهد شد. کشورهایی که بیش از حد به سیاست‌های حمایتی خودگفا وابسته شوند، ممکن است در برابر تکانه‌های اقتصادی خارجی بی‌دفاع بمانند و فرصت هم‌افزایی منطقه‌ای را از دست بدهند. در این شرایط، تنها کشورهایی با ساختار نهادی منعطف، شفافیت بالا و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد خواهند توانست پایداری خود را حفظ کنند.

در نهایت عبور از بحران‌های فعلی و پیشگیری از بحران‌های آینده، مستلزم ایجاد الگوی حکمرانی اقتصادی جهانی است که مبتنی بر پایداری، عدالت بین‌نسلی، شفافیت و مسؤولیت‌پذیری باشد. اصلاح سازوکارهای تأمین مالی بین‌المللی، تجدیدنظر در سیاست‌های بدهی و سرمایه‌گذاری و ایجاد تعادل میان اهداف رشد و پایداری محیط‌زیست، محورهای اصلی این الگو خواهند بود. در حالی که اقتصاد جهانی در نقطه عطفی تاریخی قرار دارد، فرصت بی‌ظنری برای بازتعریف همکاری‌های اقتصادی، بازبینی اعتماد و شکل‌دهی آینده‌ای با تاب‌آوری بیشتر پیش روی بازنگران جهانی قرار دارد. بازنگری عمیق، گفتمان صریح و اقدامات هماهنگ، کلید خروج از این وضعیت شگنکنده و ورود به عصر جدیدی از تعاملات اقتصادی جهانی خواهد بود.

■ **نقش جامعه جهانی در تسهیل همکاری**

کشورهای در حال توسعه و نوظهور نیز باید سهم فعال‌تری در طراحی مقررات بین‌المللی ایفا کنند. حضور معنادر در اجلاس‌های چندجانبه، همکاری در تدوین استانداردهای نوین و مشارکت در بحران‌های مالی از طریق صندوق بین‌المللی حمایتی، بخشی از این نقش آفرینی سازنده خواهد بود. جامعه جهانی باید از نگاه‌های سلسله‌مراتبی فاصله گرفته و ظرفیت تصمیم‌گیری مشترک، مسؤولیت‌پذیری جمعی و بازتوزیع منصفانه منابع اقتصادی را تقویت کند. در پایان، بازطراحی نقش نهادهای واسطه مانند سازمان تجارت جهانی و نهادهای تنظیم‌گر پولی جهانی می‌تواند اعتماد از دست‌رفته را بازگرداند. این نهادهای باید بتوانند فراتر از سازوکارهای سنتی، بر موضوعات نوظهوری همچون زنجیره‌های تأمین جهانی، فناوری‌های مالی و تحولات اقلیمی تمرکز کنند.

پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۳۲۲

[اقتصادی]

اخبار

از کیفیت نازل خودروی چینی و تعلل در ارائه خدمات پس از فروش تا تخلفات عملیتهای نمایندگی‌ها سرگردنه مدیران خودرو

گروه اقتصادی: در ماه‌های گذشته گزارش‌های زیادی از تخلفات مدیران خودرو بویژه در حوزه خدمات پس از فروش منتشر شده بود. بر اساس این گزارش‌ها، خدمات پس از فروش مدیران خودرو در ماه‌های اخیر تقریباً رو به تعطیلی گذاشته است. ماه‌ها باید سپری شود تا یکی از نمایندگی‌های مدیران خودرو، برای معاینه ماشین وقت لازم را اختصاص بدهد. در کنار بدعهدی و تخلف مدیران خودرو در انجام تعهدات خود در حوزه خدمات پس از فروش، به‌تازگی مواردی از تخلفات عملیتهای نمایندگی مدیران خودرو نیز مشاهده شده است. ظاهراً هیچگونه نظارتی روی این عملیتهای انجام نمی‌شود و جدازاً شائبه‌های فراوان درباره قطعات استفاده شده، هزینه‌های چند برابری گرفته شده از صاحبان خودرو، صدای اعتراض مشتریان را بلند کرده است.

خبرنگار «وطن امروز» در پیگیری این موضوع، به نکات قابل تأملی رسیده است. برخی عملیتهای مدیران خودرو، گاه فاکتورهایی تا ۲ برابر قیمت واقعی قطعات در بازار صادر می‌کنند. به عنوان نمونه عملیتهای مدیران خودرو در یکی از مناطق شرق تهران، برای یک خودروی چینی که آب روغن فاضلی کرده، ۱۴۰ میلیون فاکتور کشیده است! جالب اینکه هنگام اعلام هزینه، به صاحب این خودرو گفته شده است کل هزینه حدود ۴۰ میلیون تومان می‌شود اما با ادعای اینکه قطعات بیشتری نیاز به تعویض داشت؛ تا ۴ برابر قیمت اولیه برای مشتری فاکتور می‌کنند. نکته بعدی فاصله قیمت هفگفت قطعات استفاده شده در عملیتهای مدیران خودرو نسبت به قیمت واقعی بازار است. به عنوان نمونه قیمت برخی قطعات فاکتور شده در عملیتهای مدیران خودرو، حدود ۲ تا ۳ برابر قطعه اصلی در بازار است. یکی از مشتریان این عملیتهای در گفت‌وگو با خبرنگار «وطن امروز» گفت: روز اول اعلام کردند فقط واشتر سرپیندر نیاز به تعویض دارد. قطعاتی که باید خریداری می‌شد را هم روی کاغذ برای من نوشتند. در محاسبه اولیه، هزینه این چند قطعه چند میلیون بود اما زمانی که فاکتور کشیدند، قیمت اعلامی چند برابر قیمت محاسبه شده و توافق شده اولیه بود. به گفته این مشتری، رفتار افراد این عملیتهای مدیران خودرو بسیار زشت و توهین‌آمیز هم بوده است.

یکی دیگر از صاحبان خودروهای چینی که درگیر تعمیر گیرکس ماشین خود است، می‌گوید از اسفند ۱۴۰۳ تاکنون در خواست وقت تعمیر خودرو داشته‌ام اما مهلتی داده نمی‌شود. او همچنین اظهار داشت: تفاوت قیمت‌ها در مدیران خودرو و عملیتهای این برند بسیار بالاست و اصلاً به‌صرفه نیست. وی به خبرنگار ما گفت: نمایندگی هزینه تعویض گیربکس را ۲۰۰ میلیون اعلام کرد؛ بدون اجرت تعمیرکار، اما اگر قرار باشند همین گیربکس را در یک تعمیرگاه معمولی و خصوصی تعویض کنید، حداقل ۴۰ تا ۵۰ میلیون زیر قیمت مدیران خودرو، تعویض خواهد شد. اظهارات این افراد نشان می‌دهد مدیران خودرو نه‌تنها در انجام تعهدات مربوط به خدمات پس از فروش سهل‌انگاری می‌کند، بلکه هزینه قطعات شرکتی آن به مراتب از قطعات موجود در بازار بالاتر است به گونه‌ای که یک تعمیر ساده خودرو در نمایندگی و بویژه عملیتهای مدیران خودرو، چندین برابر تعمیر همان خودرو در یک تعمیرگاه ساده و خصوصی است.

از طرفی وقتی یک نفر از این رفتار انتقاد می‌کند یا نشان می‌دهد که متوجه نحوه حساب و کتاب مساله‌دار عملیتهای مدیران خودرو شده، به راحتی به او می‌گویند برود از اتحادیه شکایت کند.

به هر حال مدیران خودرو اکنون یک برند مساله‌دار در میان واردکنندگان و مونتاژکاران خودروهای خارجی است. به غیر از کیفیت بسیار پایین خودروهای چینی، نداشتن خدمات پس از فروش واقعی و گارانتی قطعات، یکی دیگر از ضعف‌های این برند است. بر اساس برخی محاسبات، بعضاً به خاطر یک ایراد کوچک، صاحبان خودرو مجبور می‌شوند تا ۳۰ درصد قیمت آن خودرو را برای تعمیر آن ایراد و اشکال کوچک هزینه کنند. به هر حال یکی از دلایلی که اکنون در بازار خودرو، مدیران خودرو از جایگاه و اعتبار خوبی برخوردار نیست و بخش زیادی از خریداران ماشین‌های چینی به سمت خرید ماشین‌های دست دوم کرای و ژاپنی می‌روند؛ هم کیفیت ناپایز خودروهای چینی و هم تخلفات و تقلبات گسترده در حوزه خدمات پس از فروش و بویژه رفتار متقلبهای عملیتهای این برند خودروسازی است.

■ ■ ■

ذخایر برنج دولتی

به‌موقع وارد بازار نشد

کارشناس اقتصاد گفت مسؤولان به جای انتقادات مهمم یا به شکل واقعی با محتکران برخورد کنند و آنها را در حضور رسانه‌ها به همراه برنج‌هایی که احتکار کرده‌اند، به مقامات قضایی معرفی کنند یا اینکه ریشه اصلی مساله را پیدا کرده و آن را حل کنند.

احسان سلطانی، کارشناس اقتصاد درباره افزایش قیمت برنج ایرانی و اظهارات مسؤولان دولتی در این زمینه عنوان کرد: مقامات ارشد دولت بی‌آنکه به نقش خود در تنظیم بازار محصولات غذایی اشاره کنند، به خاطر افزایش قیمت برنج، محتکران را مقصر می‌دانند اما در عمل نه محتکری را به مراجع قانونی معرفی می‌کنند و نه از ابزارهایی که می‌تواند تعادل را به بازار بازگرداند، استفاده موثری می‌کنند. وی اضافه کرد: در شرایط تورم و تحریم و جنگ، بی‌معنی‌ترین اقدام این است که قیمت محصولات استراتژیک مصرفی و معیشتی را به بازار بسپاریم و دولت عملاً همین کار را کرده است. وی توضیح داد: در واقع دولت ذخایر برنج را وارد بازار نکرده یا به‌موقع این کار را نکرده است، ضمن اینکه دولت می‌تواند با سیاست‌ها و ابزارهای وارداتی قیمت برنج را متعادل کند.